

به سوی

# جامعه‌شناسی اسلامی نمادهای فرهنگی

(معرفی کتاب)

● غلامعباس توسلی

استاد دانشگاه تهران

■ مؤلف: محمد الذوادى

■ ناشر: نورالدین (کوالالمپور)

یک دورنمای تازه‌ای که کمتر در علوم اجتماعی و رفتاری مغرب زمین معمول و رایج است مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این منظر، نمادهای فرهنگی دارای ابعاد استعلایی هستند که کاربرد آنها در زمینه شناخت جامعه و فرد به عنوان وجه تحلیل می‌تواند به تعالی سطح تحلیلی علوم اجتماعی مدد رساند و این هدفی است که کتاب «به سوی جامعه‌شناسی نمادهای فرهنگی» در تعقیب آن است. نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: کتاب حاصل پنج سال اندیشه، تحقیق و قلم‌فرسایی در زمینه ماهیت نمادهای فرهنگی بشر یعنی زبان، اعتقادات، افکار، علم و معرفت، هنجارهای فرهنگی و ارزشهاست. این افکار و اندیشه‌ها نخست به زبان عربی و فرانسه به نگارش درآمده و سپس به زبان انگلیسی نوشته شده است.\*

سه فصل نخست کتاب به درک معنایی می‌پردازد که به اصطلاح «متعالی» (یا استعلایی) در کتاب اختصاص یافته است. همچنین در این سه فصل، بصورت ژرفانگر، تظاهرات متفاوت حالات استعلایی نمادهای فرهنگی بشر را استخراج می‌کند؛ اما در فصول چهارم و پنجم و ششم، همه این تعاریف و توضیحات به سمت و سوی «شناخت‌شناسی اسلامی» گرایش پیدا می‌کند و این چارچوب وظیفه علوم اجتماعی و رفتاری به گونه‌ای تعریف می‌شود که باید این دیدگاه را در خود جای دهد و بتواند از این طریق، بنیانهای واقعی کنش اجتماعی و نیروهای محرکه اجتماعی گروه‌های انسانی، اجتماعات و تمدن‌ها را تفهیم نماید.

تفاوتی که این دیدگاه با دیدگاه مکاتب معمول علوم اجتماعی دارد این است که جامعه‌شناسی معاصر و انسان‌شناسی فرهنگی، اصطلاح نظام‌های فرهنگی - نمادی را به وفور به کار می‌برند تا مثلاً چگونگی نظم حاکم بر اجتماعات بشری را تبیین کنند همچنین هدف این گونه تحلیل‌ها آنست که معلوم شود چگونه فرآیند اجتماعی شدن از خلال انتقال عناصر فرهنگی - نمادی، صورت می‌پذیرد و از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود.

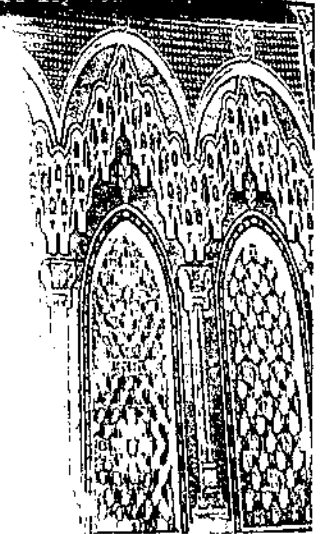
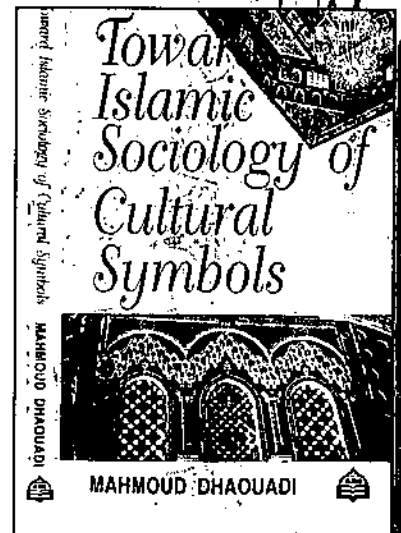
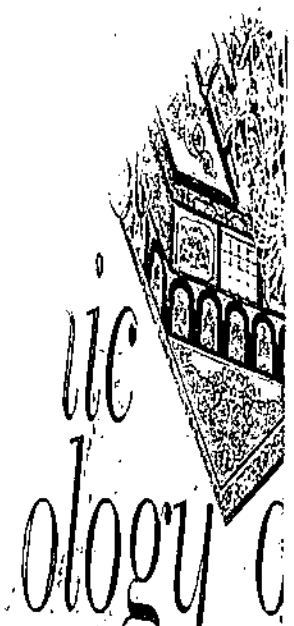
محمد الذوادى\*، از جامعه‌شناسان مسلمان و صاحب‌نظری است که در سالهای اخیر مقالات و آثار متعددی از او در برخی مجلات و در مجموعه مقالات کنفرانسها بیچشم می‌خورد. در ملاقاتی که در تایلستان گذشته در کنگره انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در مونترآل با ایشان داشتم، دو اثر تازه خود را که با جهان اسلام و آنچه مبانی «جامعه‌شناسی اسلامی» خوانده شده در ارتباط است، به من معرفی کرد و علاقمند بود که این کتب در محافل علمی و دانشگاهی ایران نیز مطرح و احیاناً مورد استفاده قرار گیرد. در جهت وفای به عهد و طرح موضوع، یکی از این آثار، با عنوان «به سوی جامعه‌شناسی نمادهای فرهنگی از یک منظر اسلامی» که در سال ۱۹۹۶ در کوالالمپور (مالزی) منتشر شده است، معرفی می‌گردد. کتاب مشتمل بر ۴ فصل و حدود ۶۰ زیرفصل (بخش) است که عمدتاً جنبه نظری و تا حدی فلسفی دارد و نمادهای فرهنگی را در یک قالب و چهارچوب استعلایی طبیعت بشری مورد بررسی قرار داده است.

او در این کتاب انسان را موجودی نمادپرداز و مغز او را کانون پردازش نمادهای فرهنگی پیچیده می‌داند و سعی دارد میان علم اثباتی و تجربی و ذهنیت مابعدالطبیعی، همسازی و اشتی برقرار کند. او این نظام فرهنگی - نمادی را منبع و سرچشمه ساختن جهان قدسی می‌انگارد.

او همچنین ظرفیت نمادپردازی انسان را منبع آشکار آزادی بشری و مسئولیت او می‌شمارد. و در نهایت طبیعت فرهنگی - نمادی انسان را موجد مبادلات فکری میان ملت‌ها می‌داند.

به کارگیری مفاهیم و عباراتی نظیر «روح فرهنگی - نمادی» به مثابه وجه تمایز نوع بشر یا «طبیعت متعالی ذهن» یا «نمادهای فرهنگی متعالی مغز» و عبارات پیچیده‌ای نظیر آن در کتاب او فراوان است و تلاش نویسنده را برای برقرار کردن ارتباط منطقی میان قلمروهای کاملاً متمایز علم، فلسفه و مذهب نشان می‌دهد.

بطور کلی کتاب می‌خواهد نمادهای فرهنگی را در



MAHMOUD DHAOUADI

به عنوان نمونه امیل دورکیم، بر اهمیت فشارهای اجتماعی به عنوان عنصر ضروری مکانیسم‌های کارکرد طبیعی جامعه تأکید می‌ورزد و نشان می‌دهد که ضعف و برهم خوردگی نظم هنجاری می‌تواند منجر به حالتی شود که آنرا «بی‌هنجاری» یا آنومی نام می‌گذارد و وضعیت آسیب اجتماعی را دربردارد.

اقتضای چنین نوسانات اجتماعی که اجتماعات بشری برای پاسخگویی و سازگاری به خود می‌بینند به میزان وسیعی منوط به وضعیت نظام‌های فرهنگی-نمادی، اعتقادات دینی، هنجارهای فرهنگی و ارزشهاست. در واقع سر و کار ما در اینجا با آن چیزی است که می‌توان آنرا جبر فرهنگی نامید یعنی نوعی دترمینیسم اجتماعی که نیروهای فشارآورنده‌اش بر حسب تعریف، خود را بر کنش‌گر اجتماعی از بیرون تحمیل می‌کند.

اما این دیدگاه نسبت به محتوا و ابعاد درونی جهان فرهنگی - نمادی نظری ابراز نمیدارد. و تنها عوامل تعیین‌کننده خلا جامعه‌شناختی بی‌هنجاری را بیان می‌کند.

حتی مکتب جامعه‌شناختی دیگری که صفت نمادی را با خود یدک می‌کشد و اهمیت زیادی برای تفسیر معانی خاصی که کنشگران اجتماعی به نمادهای فرهنگی می‌دهند قائل است یعنی مکتب کنش متقابل نمادی، هیچ ارجاعی به ابعاد استعلایی نمادهای فرهنگی نداشته است. مکتب کنش متقابل نمادی تلاش کرده که معانی ذهنی (پنهان) فرد، گروه و جامعه را به نمادهای فرهنگی مرتبط سازد، اما در تحلیل و بررسی بیرونی نمادهای فرهنگی کمتر موفق است.

جامعه‌شناسی تفهیمی ویر نمونه دیگری از جامعه‌شناسی معاصر است که خود را از فشارهای یکسونگرانه دیدگاه دترمینیستی رها ساخته است؛ اما سکوت یا شکست ویر در کشف این جنبه جدید نمادهای فرهنگی استعلایی پیامدهای قابل توجهی برای علوم اجتماعی معاصر داشته است.

این جامعه‌شناس آلمانی تفهم درونی انگیزه‌های بشری را نخستین پیش‌نیاز هرگونه بنیان‌کنش اجتماعی معتبری می‌داند که بلحاظ جامعه‌شناختی قابل تمیز است. نیازی نیست گفته شود که از این نگاه، نمادهای فرهنگی غالباً منبع انرژی مهمی را برای نیروهای انگیزشی فرد بشری فراهم می‌سازد.

به هر حال نه ویر و نه دیدگاه کنش متقابل نمادی هرگز به ابعاد متافیزیکی و متعالی نمادهای فرهنگی بشر ارجاعی نداشته‌اند بهره‌گیری‌های شجاعانه آنها از قلمرو زبان، اندیشه، ارزشهای فرهنگی، و اخلاق دینی،

◀ مطابق دیدگاه نویسنده، نمادهای فرهنگی، دارای ابعاد استعلایی هستند که کاربرد آنها در زمینه شناخت جامعه و فرد به عنوان واحد تحلیل می‌تواند به تعالی سطح تحلیلی علوم اجتماعی مدد رساند.

◀ نویسنده در این کتاب، انسان را موجودی نمادپرداز و مغز او را کانون پردازش نمادهای فرهنگی پیچیده می‌داند و سعی دارد میان علم اثباتی و تجربی و ذهنیت مابعدالطبیعی، همسازی و آشتی برقرار کند.

◀ تفاوت دیدگاه نویسنده با مکاتب معمول علوم اجتماعی - حتی مکتب ویر و مکتب کنش متقابل نمادی که توجه ویژه‌ای به جهان ارزشها و نمادها دارند - این است که مکاتب مذکور، هرگز به ابعاد متافیزیکی و استعلایی نمادهای فرهنگی بشر، ارجاعی نداشته و در این آستانه متوقف شده‌اند.

◀ الذوادی نه تنها فهم ما را از نمادهای فرهنگی طبیعت بشری پهن دامنه‌تر می‌سازد بلکه بلحاظ کاربردی نیز طرح مناسبی برای درک معنای خاص آن چیزی که در زمان ما انقلاب در اطلاعات نامیده می‌شود، فراهم می‌کند.

خیلی زود در آستانه بازشناخت محتوای مابعدالطبیعی و استعلایی به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر نظام نمادی - فرهنگی، متوقف شده است.

به این ترتیب پس از نقد مکاتب تفسیری و تفهیمی، نویسنده تز خود را مطرح می‌سازد: طرح الذوادی نظام‌های نمادی - فرهنگی را در ابعاد فلسفی و استعلایی خود مورد بررسی قرار می‌دهد و به این ترتیب نه فقط فهم ما را از نمادهای فرهنگی طبیعت بشری پهن دامنه‌تر می‌سازد، بلکه بلحاظ کاربردی نیز طرح مناسبی برای درک معنی خاص آن چیزی است که در زمان ما انقلاب در اطلاعات نامیده شده است. اولین تافلر و سایر صاحب‌نظران مسائل ارتباط جمعی معتقدند که این انقلاب دامنه‌اش بسی فراتر از دو انقلاب قبلی (انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی) قرون پیشین است. بدنیاال جمله معروف مک‌لوهان که با انقلاب اطلاعات دنیا به یک دهکده شباهت دارد، امروز باید گفت تمامی کره زمین به یک اطاق کوچک شبیه است. این وضعیت ایجاب می‌کند که جهان فرهنگی - نمادی، دیگر تنها به جهان حس و منطق سنتی و عقلایی تعلق نداشته باشد. بنظر نویسنده، امروزه انسان آن چیزی را تجربه می‌کند که بر حسب عادت آنرا جهان غیر قابل باور نامیده‌اند. انسان امروز در حال حاضر از گستره آزادی بیشتری برای اعمال نمادی و فرهنگی خود برخوردار شده است. این آزادی مکتب، انسان را به موجودات فوق طبیعی شبیه ساخته است... در نهایت نویسنده این موضوع را از یک منظر قرآنی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است که نیاز به بحث مستقل و جداگانه‌ای دارد.

در یک ارزیابی اولیه باید تلاش نویسنده را در ادغام و ترکیب قلمروهای مختلف به ظاهر متضاد در زمینه معارف بشری ستود. اما نمی‌توان ادعا کرد که نویسنده در مقیاس دانش امروز توانسته باشد به مدعای خود جامعه عمل بپوشاند.

#### پانویسها:

• محمدالذوادی متولد تونس، دارای لیسانس روانشناسی و فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه‌های آمریکا و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه سونترال کاناداست و در دانشگاه‌های کانادا، الجزایر، عربستان، مالزی و تونس تدریس کرده است. اما بیشتر مدرس دانشگاه اسلامی مالزیاست نام کتاب او:

Toward Islamic sociology of cultural symbol,  
Published by A. S. Nooredeen K. Lumpur, 1996.

•• الذوادی، همان منبع - مقدمه، صفحه ۲.